

بورس؛ کلید طلایی «سرمایه گذاری در تولید»

«سرمایه گذاری برای تولید» نام گذاری کردند. این انتخاب استراتژیک، پیامی روشن و قاطع به تمامی نهادهای حاکمیتی، بخش های اقتصادی و آحاد مردم است که می بایست تولید داخلی را در کانون توجهات و برنامه ریزی های خود قرار دهند. هدف غایی این نام گذاری هوشمندانه، ایجاد تحولی بنیادین در رویکردهای اقتصادی کشور است؛ تحولی که مسیر را از سیاست های انقباضی صرف، به سمت سیاست های توسعه محور و تشویق سرمایه گذاری در بخش های مولد هموار می سازد. این چرخش راهبردی، نویدبخش خروج از رکود اقتصادی و دستیابی به رشد پایدار و همه جانبه است.



تولیدی و فاصله گرفتن از فعالیت های بنگاه داری، به حامی واقعی و همه جانبه صنعت و تولید تبدیل شود. این تحول می تواند نقش تعیین کننده ای در احیای بخش تولید و صنعت کشور ایفا کند.

تقویت بخش خصوصی

تعامل سازنده و مستمر با بخش خصوصی به عنوان پیشبران اصلی و موتور محرک تولید، نیازمند ارائه مشوق های واقعی و رفع موانع بوروکراتیک و اداری است. تنها در سایه اعتماد سازی پایدار و حمایت های عملی و مؤثر، می توان زمینه های لازم برای مشارکت فعال و گسترده سرمایه گذاران خصوصی در پروژه های تولیدی و صنعتی را فراهم کرد.

تحقق شعار هوشمندانه سال ۱۴۰۴ تحت عنوان «سرمایه گذاری برای تولید» مستلزم عزمی ملی، اراده ای راسخ، اصلاحات ساختاری عمیق و همکاری همه جانبه نهادهای حاکمیتی و بخش های مختلف اقتصادی است. بازار سرمایه به عنوان کلید این تحول عظیم، می تواند با جلب اعتماد عمومی و ایجاد بسترهای مناسب، نقش تاریخی و بی بدیل خود را در شکوفایی اقتصاد ایران و رسیدن به مراتب بالای توسعه ایفا کند. این مسیر هرچند دشوار به نظر می رسد اما با تدبیر، وحدت رویه و برنامه ریزی دقیق، دستیابی به آن کاملاً امکان پذیر خواهد بود.

شفافیت، کاهش پیچیدگی های اداری و بوروکراتیک، معرفی ابزارهای مالی نوین و ایجاد بسترهای مناسب، جذابیت بازار سرمایه را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی افزایش دهد. همکاری تنگاتنگ و سازنده این نهاد با سایر ارگان های دولتی برای هدایت نقدینگی به بخش های مولد و تولیدی، امری حیاتی و اجتناب ناپذیر است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان نهاد سیاست گذار و ناظر بر نظام پولی کشور، باید در کنار وظیفه ذاتی کنترل تورم، بسترهای لازم و کافی برای تسهیل سرمایه گذاری در بخش تولید را فراهم آورد. این مهم مستلزم هماهنگی دقیق و حساب شده بین سیاست های انقباضی کوتاه مدت و سیاست های توسعه محور بلندمدت است.

اصلاحات ساختاری ضروری

برای موفقیت در این مسیر دشوار اما امکان پذیر، انجام اصلاحات اساسی در نظام مالیاتی از طریق اجرای دقیق و کارآمد «مالیات بر عایدی سرمایه» ضرورتی انکارناپذیر است. این سیاست هوشمندانه می تواند از سوداگری و فعالیت های سودجویانه در بازارهای غیرمولد جلوگیری کند و منابع مالی را به شکلی هدفمند به سمت بخش های مولد و تولیدی سوق دهد. همچنین، لازم است نظام بانکی کشور، از طریق بازنگری در سیاست های اعتباری، کاهش نرخ بهره تسهیلات

به گونه ای که منافع بازیگران اصلی و بزرگ بازار به قیمت تضعیف حقوق سهام داران خرد و جزء تأمین نشود. «آقابرگی در ادامه با تأکید بر ارکان اساسی اعتماد سازی در بازار سرمایه افزود: «شفافیت در اطلاع رسانی، ثبات در مقررات و سیاست ها و ارتقای زیرساخت های فنی و تکنولوژیک، سه رکن اساسی و بنیادین اعتماد سازی در بازار سرمایه محسوب می شوند. هرگونه تصمیم شتاب زده، تغییرات بی پشتوانه کارشناسی یا اصلاحات نسنجیده در مقررات، به سرعت می تواند اعتماد سرمایه گذاران را مخدوش ساخته و آثار زیان باری بر پیکره بازار سرمایه وارد کند.»

او در بخش دیگری از سخنان خود بر نقش آموزش مالی عمومی و توسعه نهادهای واسط مالی مانند صندوق های سرمایه گذاری تأکید ویژه کرد و گفت: «بخش قابل توجهی از رفتارهای ناهنجار و غیرمنطقی که در بازار مشاهده می شود، عمدتاً ناشی از ضعف دانش مالی و عدم آشنایی با اصول سرمایه گذاری است. با برنامه ریزی آموزشی هدفمند و همه جانبه و همچنین تقویت نهادهای مالی حرفه ای، می توان به بازاری عقلانی تر، بالغ تر و پایدارتر دست یافت.»

نقش نهادهای دولتی

سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان بازوی اجرایی این تحول عظیم اقتصادی، می بایست با ارتقای سطح

سرمایه گذاری در بخش تولید، نقشی محوری و بی بدیل در شکوفایی اقتصاد ملی ایفا می کند. تقویت و توسعه تولید داخلی نه تنها می تواند نیازهای اساسی کشور را به نحو مطلوبی مرتفع سازد، بلکه با افزایش ظرفیت های صادراتی، وابستگی به واردات را به حداقل ممکن کاهش داده و اقتدار اقتصادی کشور را در عرصه های بین المللی ارتقا می بخشد. افزون بر این موارد، رونق تولید و سرمایه گذاری در این بخش، اشتغال زایی گسترده ای به همراه خواهد داشت که به نوبه خود منجر به بهبود شاخص های معیشتی و رفاهی جامعه می شود.

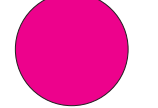
نقش کلیدی بازار سرمایه

در این مسیر خطیر، بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار به عنوان بازوی توانمند تأمین مالی تولید، جایگاهی ویژه و انکارناپذیر دارند. با توجه به حجم انبوه نقدینگی که هم اکنون در اقتصاد کشور در گردش است، هدایت سنجیده و هوشمندانه این منابع به سمت بخش های مولد و تولیدی، می تواند محرکی قوی و اثرگذار برای رشد اقتصادی پایدار و مهار تورم باشد. متأسفانه در سال های اخیر، سهم قابل توجهی از نقدینگی موجود، به سمت بازارهای غیرمولد و سوداگرانه نظیر طلا، ارز و مسکن سرازیر شده که این امر به ناپایداری اقتصادی و افزایش نوسانات بازارها دامن زده است. بنابراین، جذب و هدایت سرمایه ها به سمت بازار سرمایه از طریق تسهیل فرایندهای سرمایه گذاری و ایجاد جذابیت های لازم، ضرورتی انکارناپذیر و حیاتی به شمار می آید.

شرایط لازم برای رونق بورس

فردین آقاپزری، کارشناس بازار سرمایه، در گفت وگو با آتیه نو با تأکید بر رسالت اصلی و ذاتی بورس در تأمین مالی بخش تولید، بیان کرد: «اگر بپذیریم که وظیفه بنیادین و اساسی بورس، تسهیل فرایند تأمین مالی صنایع و بخش های تولیدی است، آن گاه راهکارهای افزایش اعتماد عمومی و هدایت هدفمند نقدینگی به این بازار، مستلزم اقدامات جدی و همه جانبه سازمان بورس، مقام ناظر و شورای عالی بورس در راستای اعتماد سازی پایدار است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به ساختار نامتوازن و ناهمگون بازار سرمایه ایران که در آن حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد از سهام شرکت ها در اختیار دولت و شرکت های وابسته به آن است، هشدار داد: «ما در حال حاضر با پدیده ای غیرعادی به نام "تابازار" مواجه هستیم. در چنین شرایطی، سازمان بورس و نهادهای نظارتی نمی تواند بدون مقررات عادلانه و شفاف، اعتماد سرمایه گذاران خرد و کلان را جلب کنند،

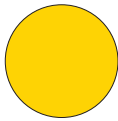


رامین بیات
روزنامه نگار

“

بازار سرمایه به عنوان ابزاری کارآمد در تأمین مالی بخش تولید، می تواند نقدینگی را به سمت صنایع مولد هدایت کرده و با شفافیت و اعتماد سازی، زمینه ساز رونق اقتصادی و کاهش تورم در کشور باشد

تحلیل
A N A L Y S I S



سهیلا نقی پور
کارشناس بازار سرمایه

فرصت ها و تهدیدهای بورس ۱۴۰۴

سال ۱۴۰۳ برای بازار سرمایه ایران سالی پرتلاطم و همراه با نوسانات قابل توجه بود. این سال با امیدواری های فراوانی آغاز شد، اما در عمل شاهد ترکیبی از رشد های مقطعی، ریزش های ناگهانی و تعادل شکننده بود.

شاخص کل بورس تهران در ابتدای سال ۱۴۰۳ روندی صعودی داشت و تا اردیبهشت ماه به اوج ۲.۵ میلیون واحدی رسید. این رشد اولیه امیدها را برای یک دوره پایدار زنده کرد، اما این خوش بینی دوام چندانی نداشت. از نیمه بهار، بازار با ریزش های سنگینی مواجه شد که تا پایان سال ادامه یافت.

عوامل مؤثر در نوسانات

۱- سیاست گذاری های دولت: تصمیمات ناگهانی در حوزه قیمت گذاری حامل های انرژی و افزایش نرخ خوراک پتروشیمی ها، فشار زیادی بر شرکت های بزرگ بورسی وارد کرد.

۲- متغیرهای کلان اقتصادی: نوسانات نرخ ارز، افزایش تورم و شوک های سیاسی مانند شهادت رئیس جمهور سابق، تأثیر منفی بر روند بازار گذاشتند.

۳- جذب نقدینگی به بازارهای موازی: این امر صعود دلار به کانال های بالاتر، بخشی از نقدینگی را به سمت طلا و ارز سوق داد.

۴- تغییرات مدیریتی: با تغییر دولت و حضور تیم اقتصادی جدید، تلاش هایی برای بازگرداندن تعادل به بازار صورت گرفت.

در نیمه دوم سال، اقداماتی مانند حذف دلار نیمایی، تعدیل نرخ ارز توافقی و عرضه های اولیه موفق تا حدی جو بازار را بهبود بخشید. ارزش معاملات روزانه که در تابستان به زیر دو هزار میلیارد تومان رسیده بود، در پاییز و زمستان به ۱۱۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت که نشان دهنده بازگشت اعتماد سرمایه گذاران خرد بود.

چشم انداز سال ۱۴۰۴

برای پیش بینی روند بورس در سال آینده، باید چند متغیر کلیدی را در نظر گرفت: - سیاست های پولی و نرخ بهره: به معنای تصمیمات بانک مرکزی در کنترل نقدینگی و نرخ سود بانکی

- نرخ ارز مبادله ای: آیا دولت به سیاست سرکوب ارزی ادامه می دهد یا اجازه می دهد نرخ ارز روند طبیعی خود را طی کند؟

- تحریم ها و ریسک های سیاسی: تأثیر تنش های منطقه ای و بین المللی بر اقتصاد ایران

- مشکلات انرژی: ناترازی گاز و برق و تأثیر آن بر صنایع بورسی

سناریوی خوش بینانه:

- کاهش ریسک های سیاسی و بهبود فضای بین المللی

- تعادل در نرخ بهره و اوراق بدهی

- آزادسازی نرخ ارز مبادله ای و جلوگیری از سرکوب قیمتی

- تداوم خصوصی سازی و واگذاری شرکت های بزرگ مانند ایران خودرو

در این حالت، بورس می تواند روند صعودی پایدار را تجربه کند و به کانال های جدیدی دست یابد.

سناریوی بدبینانه:

- تشدید تحریم ها و تنش های سیاسی

- افزایش نرخ بهره و سرکوب قیمت ارز

- ادامه ناترازی انرژی و قطعی برق صنایع

این عوامل می توانند سودآوری شرکت های بورسی را کاهش داده و بازار را وارد فاز رکودی کنند.